



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز بعد از بحث یکی از عزیزان سوالی پرسیدند که در مقدمه ی صحیفه ی سجادیه روایتی داریم که در آن گفته شده: ﴿کل دولة قبل قیام المهدی علیه السلام و هو طاغوت﴾ و افرادی این روایت را مستمسک قرار داده اند. در جواب عرض می کنیم درباره تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام عصر علیه السلام اقوالی وجود دارد؛ اول اینکه برخی استناداً به همین روایت مذکور قائلند هر پرچمی که قبل از قیام حضرت برافراشته شود طاغوت است از این جهت تأسیس حکومت قبل از قیام حضرت را حرام می دانند.

قول دوم اینکه مسئله قیام و تشکیل حکومت یک مسئله عقلانیست و به اسلام ارتباطی ندارد و وظیفه پیغمبران هم ابلاغ احکام الهی می باشد فلذا تشکیل حکومت نه واجب و نه حرام است بلکه جائز می باشد والقائل به الشیخ مهدی الحائری.

سوم قول به وجوب و لزوم تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت والقائل به امام رضوان الله علیه و من تبعه.

در کتاب جهاد وسائل الشیعة نیز روایاتی داریم که در آنها گفته شده قبل از قیام حضرت حجت علیه السلام قیام و تشکیل حکومت جائز نیست ولی امام رضوان الله علیه و همچنین ما در بحث جهاد از این روایات جواب دادیم، امام رضوان الله علیه فرمودند افراد تنبل و شکم پرست این قبیل از روایات را بمانه قرار داده اند زیرا ما روایت داریم هر خبری که با قرآن مخالف باشد فاضل بنی هاشم علی الجدار و این قبیل اخبار بر خلاف قرآن هستند زیرا در قرآن امر به قیام در برابر ظالم شده و خود پیغمبران نیز قیام می کردند و از طرفی ممکن است غیبت حضرت مهدی علیه السلام خیلی

طولانی شود لذا نمی توانیم بگوئیم قیام و تشکیل حکومت فقط مربوط به زمان حضور امام عصر علیه السلام است و در زمان غیبت باید به ظلم تن بدهیم زیرا قرآن برای همه زمان هاست و مردم را در همه زمانها تشویق و ترغیب و حتی تأکید به قیام در برابر ظالمین کرده.

امام رضوان الله علیه در کتاب ولایت فقیه درد دلهای فراوانی دارد مثلاً ایشان می فرماید یک روزی حضرات آیات عظام بروجردی و حجت و صدر و خوانساری رحمة الله علیهم أجمعین برای بحث در امور سیاسی در منزل من جمع شدند و من به آنها گفتم که اولین کار ما این است که باید در برابر مقدسین فکری بکنیم زیرا آنها قائلند اسلام فقط نماز روزه و عبادات است و علماء نیز باید به همین امور مشغول باشند لذا اگر کسی از علماء در مسائل سیاسی داخل شود و قیام کند پشت سر او نماز نمی خوانند و آنها اسلام را محصور در اعمال فردی و عبادی کرده اند، خلاصه اینکه قرن ها کار شده تا اینکه امام رضوان الله علیه ناچار شده بحث کند و قیام کند و حتی در بحثهایی که قبلاً در مورد ولایت فقیه مطرح شد عرض کردیم که شیخ محمد حسین اصفهانی در حاشیه مکاسب می گوید علماء نمی توانند حکومت کنند ایشان فرمودند افرادی که همیشه در مدرسه مشغول درس و بحث بوده اند نمی توانند به میدان قیام و جنگ و مبارزه وارد شوند، خلاصه اینکه امام رضوان الله علیه تلاش کردند که بین حوزویان و مردم جا بیافند که تا به حالا در مورد تشکیل حکومت اسلامی و ولایت فقیه قصور و تقصیر شده و یا ممکن نبوده، ایشان می فرمایند شما وقتی به رساله ها نگاه کنید فقط عبادات در آنها ذکر شده و دیگر حدود و دیات و احکام سیاسی اسلام در رساله ها نیست و مردم نیز به همین رساله ها نگاه می کردند لذا در نظر مردم امور سیاسی اسلام مطرود شده است و حتی مردم بعد از مشروطه مسجد می ساختند و به مراجع نجف نامه می نوشتند که برای مسجدمان امام

مقبوله عمر بن حنظله و توقیع شریف ندادن زکات به فقیه رد اوست و رد بر فقیه نیز رد علی الله است، خب همان طور که می بینید همین دو خبری که شیخ در کتاب البیع مکاسب رد کرد در کتاب زکات به آنها برای ولایت فقیه و پرداختن زکات به او استدلال کرده است.

در وسائل اخباری داریم که دلالت دارند بر اینکه زکات باید به امام یا قائم مقام او داده شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

خبر اول: ﴿وَالْغَارِمِينَ قَوْمٌ قَدْ وَقَعَتْ عَلَيْهِمْ دِيُونُ أَنْفُقِهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ فَيَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُمْ وَيُكْفِهِمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ قَوْمٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجِهَادِ وَلَيْسَ عَنْدهُمْ مَا يَتَّقَوْنَ بِهِ، أَوْ قَوْمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ عَنْدهُمْ مَا يَحْجُونَ بِهِ أَوْ فِي جَمِيعِ سَبِيلِ الْخَيْرِ، فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُمْ مِنْ عَالِ الصَّدَقَاتِ حَتَّى يَقْوُوا عَلَى الْحَجِّ وَالْجِهَادِ، وَابْنُ السَّبِيلِ أَبْنَاءُ الطَّرِيقِ الَّذِينَ يَكُونُونَ فِي الْأَسْفَارِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَيَقْطَعُ عَلَيْهِمْ وَيَذْهَبُ مَالُهُمْ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَرْدَهُمْ إِلَى أَوْطَانِهِمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ﴾^۱.

اخباری نیز در وسائل جلد ۶ صفحه ۱۴۱ باب ۱۹ از ابواب زکات غلات داریم که در آنها نیز کلمه "الامام" ذکر شده و دلالت دارند بر اینکه زکات باید به امام و یا نائبش داده شود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرين

جماعتی می خواهیم که در امور سیاسی دخالت نکند! علی آئی حال ما درباره اقوال ثلاثه مذکور در مورد قیام و تشکیل حکومت در زمان غیبت بحث خواهیم کرد.

بجثمان در این بود که بافت اخبار و فقه ما طوری است که ولایت فقیه را ثابت می کند، روایات باب صوم و خمس و انفال و برخی از اخبار زکات را مورد بررسی قرار دادیم و دیدیم که در تمام آنها علاوه بر ذکر احکام و قوانین اسلام افرادی تحت عناوین "امام و حاکم و والی و امیر و ولی" به عنوان مجری احکام و قوانین ذکر شده اند که همین بر ولایت فقیه دلالت دارد.

روایات صوم و خمس و انفال را ذکر کردیم و به زکات رسیدیم، صاحب جواهر در صفحه ۴۱۸ تا ۴۲۵ از جلد ۱۵ جواهر ۴۳ جلدی می فرماید زکات در زمان پیغمبر به خود حضرت داده می شد و در زمان حضرت امیر علیه السلام نیز افرادی برای جمع آوری زکات مأمور می شدند که از اینجا معلوم می شود لازم است زکات را به کسی بدهند که قائم مقام ائمه علیهم السلام باشد و آن کسی جز فقیه عادل نیست.

باز صاحب جواهر در صفحه ۱۷۷ از جلد ۱۶ جواهر ۴۳ جلدی بعد از مناقشه در اینکه برخی می گویند خود مردم باید زکات را به مستحقین بدهند می فرمایند ظاهر اصحاب عملاً و فتواً این است که باید به فقیه داده شود مگر اینکه خود فقیه اجازه پرداخت بدهد بل لعله من المسلمات أو الضروریات عندهم.

مسئله یک مسئله ی اجتهادی است و برای اینکه بفهمید اجتهادی است عرض می کنیم که قبلاً خواندیم که شیخ انصاری در کتاب البیع در تمام روایات دال بر ولایت فقیه خدشه کرد و گفت بر ولایت دلالت ندارند اما همین شیخ انصاری در صفحه ۴۷۶ از کتابی که درباره زکات نوشته می فرماید اگر فقیه زکات را طلب کند مقتضی أدله ی نیابت این است که زکات به فقیه داده شود زیرا مطابق خبر

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۶، ص ۱۴۶، ابواب مستحقین زکات، باب ۱، حدیث ۷، ط الاسلامیه.